



## موفقیت من بانک من



www.azizibank.af 1515

### کندز کې د مسافرو وژل کېدو په اعتراض بېلابېلو ښارونو کې غونډې



د طالبانو لخوا د ۱۲ مسافر وژل کېدو پر ضد چې له کابل نه د بدخشان پر لور روان و، په پلازمېنه کابل، مرکزي ولايت باميانو او شمالي ختيځ ولايت بدخشان کې يوشمېر خلکو اعتراضونه کړي دي. په دغو ناستو کې گډونوالو سياسي او مدني فعالان د افغانستان له دولت او نړيوالي ټولني غوښتل چې "طالبان د جنگي جنايتکارانو او ترهگرو ډلو نوملړ ته ورزيات کړي". کابل کې اعتراض کوونکو ولسمشرۍ مانۍ ته څېرمه د عيدگاه جومات مخې ته راټول شوي

و. هغوی غوښتل چې د ولسمشرۍ مانۍ تر یوې دروازې پورې به ځي چې د پښتونستان څلور لاري سره نژدې دی، خو پولیسو د هغوی د ورتگ مخه نیوله....  
ادامه صفحه ۳

### بند دوستی افغان - هند امروز افتتاح می شود



صفحه ۶

### برنامه ملی میثاق شهروندی راه اندازی می شود



صفحه ۶

### برگزاری محفل عزیزی بانک برای تاجران ترکمن قالدین به تاریخ ۳۱ می، ۲۰۱۶



صفحه ۶

### کار شناسان انتخاباتی: برگزاری انتخابات در میزان ناممکن است



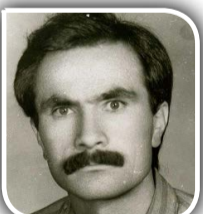
مسأله تأمین امنیت انتخابات که بسیار مهم است باید در اولویت برنامه دولت قرار داشته باشد؛ اما در این زمان اندک فراهم آوری این همه برای دولت دشوار خواهد بود. او تصریح کرد: اقدام اخیر دولت به خاطر برگزاری انتخابات در سال روان و بیرون کردن پارلمان افغانستان از سردرگمی قابل قدر است؛ اما این کار به وقت زیاد نیازمند است.  
آقای عاکفی می افزاید: مردم افغانستان و جامعه بین المللی خواهان برگزاری انتخابات شفاف هستند، سفیر اتحادیه اروپا در افغانستان دو ماه پیش گفته بود که از انتخابات و کمیسیون انتخابات افغانستان وقتی پشتیبانی می کنند که اصلاحات بنیادی در این نهاد وارد شود. اگر اصلاحات در کمیسیون انتخابات وارد نشود، بی اعتمادی که مردم نسبت به کمیسیون انتخابات دارند، در انتخابات اشتراک نخواهند کرد

صفحه ۶

#### در برگ ها



مبارزه با تروریسم از نوع امریکایی



گرامی داشت از حفیظ آهنگر پور



نویسنده بی از منطقه سووستو



صحبت های ناامید کننده کاپیتان تیم ملی فوتبال کشور



احمد عمران



## مبارزه با تروریسم از نوع امریکایی

می‌سازد که در برابر مداخلات بیرونی که متوجه افغانستان می‌شود، بی‌تفاوت نباشد. از جانب دیگر، امریکا صدها نیروی نظامی در افغانستان به بهانه مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی گرد آورده است و اگر این نیروها در برابر تحولات گروه‌های هراس‌افکن از خود بی‌تفاوتی نشان می‌دهند، چگونه باید آن را تعبیر کرد؟

افغانستان بر اساس مجبوریت‌های امنیتی خود، تن به امضای پیمان امنیتی با امریکا داده است. امریکایی‌ها شاهد بودند که امضای این پیمان برای دولت فعلی کار ساده‌یی نبود. از رییس‌جمهوری پیشین گرفته تا بسیاری از رهبران سیاسی و مذهبی کشور، با امضای این پیمان موافق نبودند، ولی مجبوریت‌های امنیتی دولت جدید را وادار به امضای آن کرد و از طرف دیگر، امریکایی‌ها نیز بر امضای آن به شدت تأکید می‌ورزیدند و می‌گفتند تا زمانی که چنین پیمانی امضا نشود، دست امریکا برای نابودی لانه‌های هراس‌افکنان کوتاه است. اما حالا که بیش از یک سال از امضای این پیمان گذشته، می‌توان این پرسش را مطرح کرد که این پیمان چه سودی برای افغانستان داشته است؟

امریکایی‌ها نمی‌توانند برای سال‌های طولانی همچنان به بازی سیاسی خود در منطقه ادامه دهند. همین حالا کشورهای نزدیک به افغانستان که قدرت‌های کوچکی هم نیستند، نسبت به هدف‌ها و برنامه‌های امریکا در منطقه با شک و نگرانی نگاه می‌کنند و چه بسا که عملاً نیز وارد بازی شده‌اند. حضور قدرت‌های دیگر در منطقه می‌تواند خطرهای جدی را برای منافع امریکا و دیگر متحدان غربی آن فراهم کند. در این جای شک نیست که روزی برخورد منافع کشورهای قدرتمند می‌تواند از منطقه، صحرای آتش بسازد و آن‌گاه هیچ منفعتی نصیب هیچ کشوری نخواهد شد. پاکستان اما از این بازی سود می‌برد و به همین دلیل هیچ تعهدی نسبت به مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی نشان نمی‌دهد. برای پاکستان مبارزه با تروریسم، یک شوخی دیپلماتیک به نظر می‌رسد که می‌تواند منافع اقتصادی این کشور را تأمین کند. چنین نگاهی بدون شک در درازمدت پیامدهای خطرناکی را برای منطقه به بار خواهد آورد که شاید حتی بازیگران جهانی و منطقه‌یی آن‌هم از محاسبه آن عاجز اند.

شریکی از بدنام‌ترین و قسی‌القلب‌ترین گروه‌های تروریستی و رهبران و سازمان‌دهنده‌گان آن نجات داد. چرا امریکا هیچ حرکتی برای از میان برداشتن فرماندهان طالبان که عملاً در جنگ با نیروهای این کشور و نیروهای ارتش و پولیس افغانستان قرار دارند، انجام نداد؟ به نظر می‌رسد که برای امریکا مبارزه با تروریسم، چیز دیگری است که هر عجلتاً برای ما مردم افغانستان که هر روز قربانی آن می‌شویم، قابل فهم و درک نیست. امریکایی‌ها شاید در راستای منافع خود در منطقه به نوع دیگری از تعریف تروریسم و افراط‌گرایی دست یافته باشند که حداقل ما در شرایط فعلی معنی آن را به‌خوبی نمی‌دانیم. شاید یکی از ملاحظات امریکایی‌ها در مبارزه با تروریسم، کشور پاکستان باشد که نمی‌خواهند به‌ساده‌گی آن را از دست بدهند. امریکایی‌ها با وجود آن‌که به‌خوبی می‌دانند که رهبران گروه‌های تکفیری و هراس‌افکن در کجا پناه گرفته‌اند و از امکانات و ظرفیت‌های کدام کشور استفاده می‌برند، بازهم در برابر آن خاموشی اختیار کرده‌اند. یا این است که امریکا و پاکستان پروژه واحدی را دنبال می‌کنند ولی گاهی برای فریب افکار عمومی نیاز دارند که سروصداهایی را علیه یکدیگر به‌راه اندازند، مثل آن‌چه که مقام‌های پاکستانی پس از کشته شدن ملا اختر محمد منصور رهبر پیشین گروه طالبان، به‌راه انداختند ولی در واقع این هر دو کار در راستای تأمین منافع واحد صورت گرفته است و یا این است که امریکا واقعاً قادر نیست که از پس پاکستان بیرون شود و به همین دلیل، از سیاست ماشاات و مدارا با این کشور استفاده می‌کند. اگر هر کدام از این گمانه‌زنی‌ها درست باشد، می‌تواند اثرات خطرناکی را به وجهه و اعتبار این کشور وارد کند.

امریکا با افغانستان پیمان امنیتی امضا کرده و این پیمان، این کشور را متعهد

امریکا از آغاز گفت‌وگوهای صلح در موجودیت رهبر جدید طالبان؛ مولوی هیبت‌الله آخوند، ابراز ناامیدی کرده است. به گفته یکی از مقام‌های نظامی این کشور، رهبر جدید طالبان، فردی محافظه‌کار و مذهبی است که نمی‌خواهد مسایل افغانستان از راه گفت‌وگو و صلح حل‌وفصل شود. این مقام امریکایی هشدار داده که اگر رهبر جدید طالبان تهدیدی برای نظامیان امریکایی و یا نیروهای افغانستان تشخیص شود، با او همان کاری صورت خواهد گرفت که با رهبر قبلی این گروه انجام شد؛ یعنی این‌که اگر امریکا رهبر جدید طالبان را مؤهل منافع خود تشخیص دهد، آن‌گاه وارد عمل می‌شود و شاید او را نیز چون ملا اختر محمد منصور هدف جنگنده‌های بی‌سرنشین قرار دهد.

به نظر می‌رسد مشکل اساسی در مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی، از همین‌جا آغاز می‌شود. این نوع برخورد می‌تواند عواقب خطرناکی را به وجود آورد، کما این‌که در پانزده سال گذشته نیز به وجود آورده است. امریکایی‌ها می‌خواهند گروه طالبان و رهبران آن‌ها را دو پدیده متفاوت بدانند و از همین منظر به آن‌ها نگاه کنند. امریکایی‌ها فکر می‌کنند که شاید در میان طالبان افرادی باشند که میانه‌رو خوانده شوند و به گفت‌وگوهای صلح اهمیت دهند، در حالی که چنین چیزی در عمل وجود ندارد.

از جانب دیگر، معاون گروه طالبان سراج‌الدین حقانی است؛ کسی که در فهرست سیاه سازمان ملل و امریکا به عنوان یک چهره خطرناک تروریستی به ثبت رسیده است. آیا امریکایی‌ها این فرد را نیز تا به حال تهدیدی برای منافع خود تشخیص داده‌اند؟ امریکایی‌ها اگر واقعاً اراده‌یی برای نابودی گروه‌های تروریستی می‌داشتند، محل تشکیل جلسات فرماندهان طالبان برای انتخاب رهبر جدید این گروه کاملاً مشخص بود و می‌شد که به‌یک‌باره جهان را از

## سخن‌ماندگار

### بند دوستی افغان - هند؛

### حیات‌بخش و روشنی آور

امروز بند برق سلما زیر نام «بند دوستی افغان - هند» با حضور نخست‌وزیر هند و رییس‌جمهور غنی در هرات افتتاح می‌شود. افتتاح این بند برق برای هرات و افغانستان از اهمیت زیادی برخوردار است و می‌تواند هشتاد هزار هکتار زمین زراعتی را آبیاری کند و به کل هرات برق برساند.

کار پروژه بند برق سلما در دوران ریاست‌جمهوری محمد داوود آغاز یافته بود، ولی به علت تعاملات و تحولات نظامی - سیاسی سال‌ها کار آن به تعویق افتاد و بالاخره در سال ۲۰۰۵ میلادی، کار اساسی آن آغاز شد و اگرچه بازهم به دلایل امنیتی چندین بار کار آن به تعلیق درآمد ولی سرانجام در دوران ریاست‌جمهوری آقای غنی این پروژه به سر رسید. در قدم اول، هدف از اعمار این بند، استفاده از آب هریرو برای آبیاری زمین‌هایی است که در مسیر این دریاچه قرار دارند. این انتظار وجود دارد که افتتاح بند سلما بر وضعیت زراعت تغییرات زیادی رونما سازد، به‌حدی که نیازمندی‌های مردم حوزه غرب از این درک مرفوع و اقتصاد زراعتی کشور شکوفا گردد.

فعال شدن توربین‌های تولید برق به ظرفیت ۱۴ میگاوات، می‌تواند نیازمندی مردم هرات به ایجاد کارخانه‌ها و مراکز صنعتی را تأمین سازد و این گامی بزرگ به سمت توسعه و خودکفایی تلقی می‌شود. همچنین با ساخت و اعمار این بند، فرصت‌هایی برای اعمار شهرک‌ها در کنار و اطراف این بند مساعد می‌گردد که به رشد و توسعه هرات کمک شایانی خواهد کرد. این بند به دولت این فرصت را نیز می‌دهد که با ساختن نهرهایی از آن، به مناطق نزدیک و شهرستان‌های مجاور آب‌رسانی شود.

بدون شک بند سلما با مساعدت سخاوتمندانه کشور دوست؛ هندوستان اعمار شده و این بنای عظیم صفحه زرین دیگری به تاریخ دوستی و ارزش‌گزاری دو ملت و دولت افزوده است. دولت افغانستان با افتتاح بند سلما، باید به ساخت و ترمیم بندهای آبی متعدد در دیگر مناطق افغانستان همت گمارد. چرا که هم‌اکنون افغانستان برای تأمین برق مورد نیازش، وابسته به کشورهای همسایه است و بر اساس تجارب، هرازگاهی ممکن است که یک رعدوبرق سیاسی، کشور را به تاریکی سوق دهد. در حالی که جغرافیای طبیعی کشور این اجازه را به ما می‌دهد که در مناطق مختلف کشور، بندهای متعدد برق ایجاد کنیم و طی یک برنامه نه‌چندان درازمدت، به خودکفایی در این زمینه برسیم. شکی نیست که چنین اراده و اقدامی از سوی کشورهای دوست و همکار افغانستان به‌سان هند حمایت می‌شود. اما متأسفانه وابسته‌گی به پاکستان و نیز نفوذ اقتصادی و استخباراتی این کشور سبب می‌شود که نیت راستی به اعمار بندها نداشته باشیم و این همسایه به‌راحتی توانسته فرصت عملی شدن نیت خیر را از ما بگیرد. همچنین مافیایی که بر حول وابسته‌گی کشور به بیرون شکل گرفته و از این رهگذر پول‌های هنگفتی به جیب می‌زند، به سبوت‌از طرح‌های عمرانی و توسعه‌یی ما از قبیل بندسازی دست زده و عرصه را بر استقلال و خودکفایی افغانستان تنگ کرده است.

اما اکنون افتتاح بند سلما و مفاد مترتب بر آن، اخگری در فضای تیره اقتصاد و انرژی افغانستان محسوب می‌شود که می‌تواند ذهن‌ها و ضمیرهای مدیران و برنامه‌ریزان کشور را به سمت آب‌های جاری فراوانی که داریم، معطوف کند. این آب‌هایی که از کوه‌های پُرغورور ما سرچشمه گرفته‌اند، نباید همین‌طور به هدر بروند. این آب‌ها باید در هیأت بندهای کوچک و بزرگ متعدد و با در نظر داشت همه اصول زیست‌محیطی و جغرافیایی، روشنایی و خوشبختی را برای مردم افغانستان به ارمغان بیاورند.

البته گفتنی است که منافع نهفته در بند برق سلما به همین ساده‌گی‌ها به‌دست آمدنی نیست؛ زیرا اول قرار است که این بند روشنایی بیاورد و سپس در برنامه‌های منظم و مدرن زراعتی و انکشافی نقش آفرینی کند. تحقق چنین مأمولی هرچند زمان‌بر است، ولی در نهایت افغانستان را به توسعه و خودکفایی رهنمون می‌سازد.



# کارنامه واصف باختری گرامی داشته شد



ماندگار - در مراسمی که به منظور گرامی‌داشت از شخصیت، کارنامه‌ها و آثار استاد واصف باختری شاعر و نویسنده مطرح کشور در دانشگاه بلخ برگزار گردیده بود، در آن شمار زیادی از فرهنگیان فعال، استادان دانشگاه و دانشجویان اشتراک داشتند.

صالح محمد خلیق رییس اطلاعات و فرهنگ ولایت بلخ که در حاشیه این همایش با خبرنگاران صحبت می‌کرد، گفت: «استاد واصف باختری یکی از قله‌های ادبیات معاصر کشور است و در سایر بخش‌های ادبی و فرهنگی نیز آثار زیادی دارد».

آقای خلیق با بیان اینکه آقای باختری از جمله کسانی است که در سال های ۴۰ ادبیات معاصر کشور را هسته‌گذاری کرده که تاکنون در جریان‌های ادبی و شعری تأثیرات مثبت زیادی دارد، افزود: «استاد باختری شاگردان زیادی را در بخش ادبیات تربیت کرده است».

رییس اطلاعات و فرهنگ ولایت بلخ تصریح کرد: «آثار و شعرهای واصف باختری ضمن اینکه در نصاب آموزشی معارف کشور گنجانیده شده، در رشته زبان و ادبیات دانشگاه‌ها نیز آموزش داده می‌شود و بر این اساس دانشجویان باید شناخت کاملی از استاد باختری داشته باشند».

از سوی هم، صادق عصیان شاعر و استاد دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بلخ که مسوولیت برگزاری این همایش را نیز به عهده داشت، می‌گوید: «استاد باختری علاوه بر این که در حوزه ادبی نوشته‌های زیادی دارد، در بخش‌های جامعه شناسی و فلسفی نیز قلم و قدم زده است».

به گفته آقای عصیان، استاد واصف باختری از بزرگان حوزه ادبیات بویژه ادبیات معاصر کشور به حساب می‌آید، از این رو، هر دانشجوی رشته زبان و ادبیات که می‌خواهد با این ادبیات آشنایی پیدا

کند باید با کارنامه‌های واصف باختری معرفی شود.

استاد واصف باختری از شاعران فارسی زبان بنام افغانستان است. محمد شاه واصف باختری، در جوزای (۱۳۲۱) در بلخ زاده شد، او لیسه باختر و حبیبیه را در افغانستان خوانده‌است.

در سال (۱۳۴۵) لیسانس زبان و ادبیات فارسی دری را از دانشگاه کابل به دست آورده؛ مدتی ویراستار کتاب‌های درسی وزارت تعلیم و تربیه بوده است.

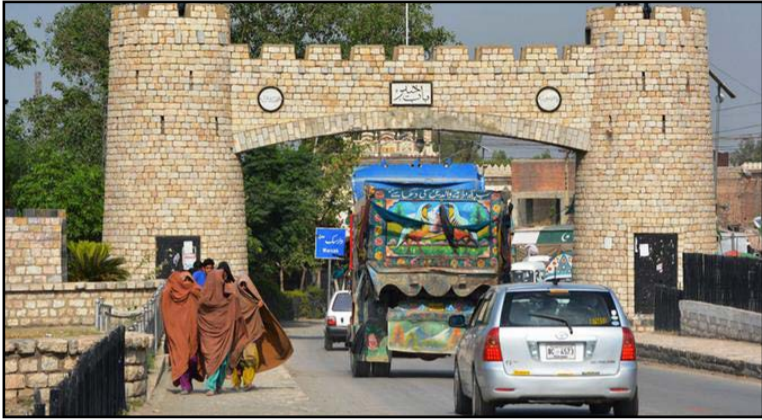
استاد باختری در سال (۱۳۵۴) گواهینامه ماستری را در آموزش و پرورش از دانشگاه کلمبیا شهر نیویورک به دست آورده است. از سال (۱۳۴۶) تا سال (۱۳۷۵)، عضو ریاست دارالتألیف، مدیر مسوول مجله ژوندون ارگان نشراتی انجمن نویسندگان افغانستان و دبیر بخش شعر آن انجمن بود.

سالیان چند در پیشاور به سر برد و اینک به عنوان پناهنده، در ایالات متحده امریکا زندگی می‌کند. استاد واصف باختری در حال حاضر در علم ادبیات و تاریخ ادبیات فارسی عالم بی‌بدیل و بی نظیری می‌باشد. در غزل‌سرایی به ملک الشعراء بهار و در سرایش شعر نو به مهدی اخوان ثالث پهلو می‌زند.

از استاد واصف باختری تاکنون هفت دفتر شعر و یک گزیده از میان این هفت دفتر و کتابی در زمینه عرفان و شعر فارسی به‌نام نردبان آسمان چاپ و انتشار یافته و آفتاب نمی‌میرد، از میعاد تا هرگز، از این آیین به‌شکسته تاریخ، تا شهر پنج ضلعی آزادی، دیباچه‌یی در فرجام، در استوای فصل شکستن، مویه‌های اسفندیار گمشده، دروازه‌های بسته تقویم، سرود و سخن در ترازو

گزارش عقل سرخ، درنگ‌ها و پیرنگ‌ها، بازگشت به الفبا و اسطوره‌یی بزرگ شهادت از معروف‌ترین کتاب‌های استاد باختری به شمار می‌روند.

## پاکستان مرز تورخم را رسمی می‌سازد



در اول ماه جون مقامات پاکستانی گذرگاه مرزی تورخم را به روی آن مسافران افغان بسته اند که پاسپورت و ویزای پاکستان ندارند و اسناد مسافران را کنترل می‌کنند. شمار زیاد مسافران در دوسو با بی صبری انتظار راه حلی را دارند.

پاکستان منع عبور و مرور بدون ویزا را برای افغان ها سه هفته پس از آن اجرایی کرد که نیروهای امنیتی مرزی افغانستان جلو ساختن یک پوسته مرزی نیروهای اردوی پاکستان را گرفتند.

حالا پاکستان مرز تورخم را به روی عبور افغان های بدون اسناد بسته است و مسافران زیادی به امید باز شدن دوباره این مرز در منطقه مرزی منتظر مانده اند. تنها به کسانی اجازه عبور داده می‌شود که ویزای پاکستان در پاسپورت شان درج باشد.

یکی از مسافران در مرز تورخم به خبرنگار دوپچه وله گفت: «وضعیت بدی است. آن ها حالا در خانه خودمان از ما پاسپورت می‌خواهند. این برای ما قابل قبول نیست و هیچ وقت نخواهیم پذیرفت. اینجا مشکل بزرگی وجود دارد».

یکی دیگر از مسافران هم افزود: «بچه هایم اینجا مانده اند. یکی گریه می‌کند و دیگری را هم گرمی زده است. برای ما بگویند که گناه ما چیست؟ ما فقط می‌خواهیم بدانیم که در این میان گناه ما مردم عادی چیست؟»

به گفته آنان این اقدام پاکستان در اینک چه زمانی پاکستان گذرگاه مرزی تورخم را دوباره به روی مسافران بدون ویزای افغان باز خواهد کرد، هنوز معلوم نیست. وضعیت فعلی در منطقه مرزی میان دو کشور در حالی جریان دارد که اخیرا انتقادات و اتهام بستن ها نیز میان دولت های دو کشور افزایش یافته است.

## تبلیغات داعشی در دانشگاه غزنی



نگرانی او شده‌است. نصیر جلالی استاد در دانشگاه غزنی از ضعف مدیریت در این دانشگاه انتقاد کرد و گفت دسیسه بازی در برابر برخی استادان و دانشجویان این دانشگاه و اعمال نفوذ متنفذان قومی و جریان‌های سیاسی در این دانشگاه باعث نگرانی آنان شده است.

آقای جلالی گفت این گونه مشکلات درجه علمی و مدیریتی دانشگاه غزنی را به پایین‌ترین حد تنزل داده است. در همین حال، فیصل امین سخنگوی وزارت تحصیلات کشور می‌گوید تبلیغات به نفع داعش در دانشگاه غزنی واقعیت ندارد و این موضوع برخواسته از گفته‌های شماری از منسوبین این دانشگاه است که در بین خودشان مشکل دارند.

آقای امین گفت به زودترین فرصت رییس جدید دانشگاه غزنی نیز معرفی می‌گردد.

غزنی و شماری دیگر از نهادهای علمی غزنی توسط سرپرست‌ها اداره می‌شوند. تمامی مشکلات فعلی دانشگاه غزنی زاییده همین مشکل است.

او از وزارت تحصیلات عالی کشور تقاضا کرد که به فرهنگ سرپرستی در نهادهای علمی و آکادمیک غزنی پایان بدهد.

حمیدالله سروری استاد در دانشگاه غزنی و منشی شورای ولایتی این ولایت از تبلیغات به نفع داعش در دانشگاه غزنی اظهار نگرانی کرد و گفت: در صنوف درسی دانشگاه غزنی به نفع داعش پیام‌های تبلیغاتی نوشته می‌شود.

آقای سروری افزود در جریان تدریس در یکی از صنوف درسی دانشگاه غزنی این شعار را (داعش زنده باد) به چشمش دیده است که موجب

اعضای شورای ولایتی غزنی و شماری از استادان دانشگاه غزنی از تبلیغات به نفع داعش در این دانشگاه اظهار نگرانی کردند.

اعضای شورای ولایتی و شماری از استادان دانشگاه و فعالان مدنی غزنی در مقرر شورای ولایتی غزنی به طور مشترک نشست خبری تشکیل داده از وزارت تحصیلات عالی کشور تقاضا کردند به مشکلات دانشگاه غزنی توجه کند.

آنان می‌گویند تبلیغات به نفع داعش در دانشگاه غزنی، اعمال نفوذ متنفذان قومی و جریان‌های سیاسی در این دانشگاه و اعمال دسیسه در برابر استادان و دانشجویان این دانشگاه موضوعاتی است که روند آموزش در این دانشگاه را به چالش مواجه کرده است.

حمیدالله نوروز رییس شورای ولایتی گفت در دانشگاه غزنی مشکلات در حدی جدی است که دانشجویان بهخاطر قوم‌شان ناکام گذاشته می‌شوند.

او گفت بارها دانشجویان دانشگاه غزنی به این شورا مراجعه کرده و از این موضوع شکایت کرده‌اند.

آقای نوروز گفت شورای ولایتی غزنی خواهان اصلاحات در این دانشگاه می‌باشد.

رییس شورای ولایتی غزنی، عبدالرحیم نوروزی سرپرست فعلی دانشگاه غزنی را به ضعف در مدیریت متهم کرد و افزود: دو سال است که دانشگاه

### کندز کی د مسافرو وژل...

کابل کې احتجاج کونکي ددې پېښې عاملينو ته "د درنې سزا" غوښتونکی شول.

د بدخشان مرکز فیض اباد ښار کې هم نن سلگونه سیاسي او مدني فعالان راتپول شوي و.

اعتراض کونکو ویل، د وژل شویو له ډلې ۸ کسان د بدخشان اوسېدونکي دي او ۸ نور لا هم طالبانو سره برمه دي.

بدخشان کې د مدني ټولنو د اتحادیې رییس سیف الدین بی بی سی ته وویل "طالبان باید تېښتول شوي کسانو خوشي کړي".

د کندوز پخواني مرستیال والي او د بدخشان مشهور جهادي مشر حمد الله دانشي له معترضانو وغوښتل چې د خپلو وژل شویو خلکو انتقام له هغو طالبانو واخلي چې په بدخشان کې دي.

هغه وویل، د بدخشان خلک باید د طالبانو پرضد راپورته شي او له امنیتي ځواکونو سره اوږه په اوږه ودریږي.

د بدخشان دوه ولسوالۍ یمگان او وردوج اوس هم د طالبانو په کنترول نه دي.

کې دي.

د افغانستان په مرکزي ولایت بامیانو کې هم د مدني ټولنې غړو د کندوز پېښې د قربانیانو له کورنیو سره د خواخوږۍ لپاره یوه اعتراضی غونډه جوړه کړې وه او د قربانیانو لپاره د عدالت غوښتنه یې کوله.

ددې احتجاج ځینو برخه والو له ملگرو ملتونو او نړیوالې ټولنې وغوښتل چې د طالبانو ډله "د جنگي جنایتکارانو او د بشري حقونو د ناقضینو نوملړ ته واچوي". پر ملاتړ کونکو هېوادونو یې فشار راوړل چې ددې ډلې له ملاتړه لاس واخلي او پر دې "ترهگرې" ډلې کړۍ راتنگه کړي.

طالبانو د سه شنبې په ورځ ډېر شمېر مسافر د کابل - کندوز پر لویه لاره د کندوز علي اباد ولسوالۍ اړوند سیمه کې له موټرو ښکته کړل او ۳۵ کسان یې برمه کړل. د راپورونو له مخې طالبانو ۱۲ برمه کسان ووژل. کندوز کې امنیتي ځواکونو ویلي چې د یو لړ عملیاتو په ترڅ کې ۱۰ تښتول شوي کسان یې خوشي کړي، خود نورو ۸ کسانو برخلیک لا هم څرگند نه دي.



روح الله بهزاد

از سی و هفتمین سال یاد شهادت عبدالحمیدزاده آهنگرپور، زیر عنوان «بازخوانی و بازبینی اندیشه‌های ملی، برابری و آزادی‌خواهی در افغانستان» هفته گذشته گرامی داشت شد. در محفلی که به همین مناسبت در کابل برگزار شده بود، شماری از نماینده‌گان مجلس، اعضای پیشین دولت، استادان دانشگاه، نویسندگان، شاعران، رسانه‌ها، دانشجویان و شهروندان اشتراک کرده بودند.

اشتراک کننده‌گان این محفل گفتند، یگانه راه رسیدن به صلح پایدار در کشور، اصل‌هایی است که آهنگرپور و یارانانش در آن زمان مطرح کردند. آنان گفتند که درون مایه تفکر و اندیشه پیشوایان تفکر ملی را آزادی‌خواهی و عدالت اجتماعی تشکیل می‌دهد.

سینا دلیری، نویسنده، استاد دانشگاه و از نزدیکان آهنگرپور در این برنامه بیان داشت: یکی از ویژگی‌های آهنگرپور و یارانش مثل طاهر بدخشی، مولانا باعث و مجید کلکانی این بود که توانسته بودند به رازی دست‌رسی پیدا کنند که گره بیشتر مشکلات جامعه آن وقت افغانستان به آن بسته‌گی داشت.

آقای دلیری افزود: تا زمانی که به اصل‌های اساسی که چهل سال قبل پیش‌مرگان راه آزادی و عدالت افغانستان در آن هنگام نهادند راه نرویم، به هویت‌های قومی یک‌دیگر احترام نگذاریم، باورها و فرهنگ یک‌دیگر را تحمل نکنیم، هرگز به افغانستان با ثبات گذار نخواهیم کرد.

به باور این استاد دانشگاه، سیاست عدم دنباله‌روی، مبارزه علیه هرگونه استبداد طبقاتی و قومی، مبارزه برای کسب آزادی، عدالت اجتماعی و برابری حقوق شهروندی، فروپاشی نظام استبدادی و انحصاری، مبارزه علیه استعمار، استثمار و استثمار، مبارزه به‌منظور برپایی نظام سیاسی که در آن هیچ فردی را بر فرد دیگری برتری نباشد مگر به شایستگی و مبارزه در برابر استبداد حاکمیت قومی از اهداف و مرام آهنگرپور و یاران هم‌فکرش بود است.

او اظهار داشت: فاجعه‌یی که امروز در جامعه افغانستان به وجود آمده، همه نتیجه سیاست‌های بود که در دوران جنگ سرد بیشتر جوانان و روشنفکران راست و چپ در راستای سیاست‌های گام بر می‌داشتند که هیچ‌گونه منفعتی بر جامعه ما نداشت.

آقای دلیری همچنان اذعان داشت: در جامعه‌یی که مبنای سیاست و حاکمیتش بر اصل حقوق شهروندی نباشد، بحران همیشه وجود خواهد داشت و مردمان آن به سر منزل مقصود نخواهد رسید.

دلیری خاطر نشان کرد: یگانه راه رسیدن به صلح پایدار در کشور، اصل‌های است که آهنگرپور و یارانانش در آن زمان مطرح کردند است.

او اذعان داشت: درون مایه تفکر و اندیشه پیشوایان تفکر ملی را آزادی‌خواهی و عدالت اجتماعی تشکیل می‌دهد. راه رسیدن به جامعه حقوق بنیاد و صلح پایدار در گرو عدالت اجتماعی و آزادی است که بستر تأمین عدالت را فراهم می‌سازد.

در سویی دیگر، دکتر سید عسکر موسوی جامعه‌شناس و استاد دانشگاه گفت: بحث مبارزه در افغانستان جدایی از بحث مبارزه در کشورهای دیگر نیست، به‌طور کلی دو نوع مبارزه داریم: یکی مبارزه در برابر خارجی‌ها که بیشتر زیر عنوان استقلال‌طلبی است و معمولاً در این جنگ همه شهروندان یک کشور اشتراک می‌داشته باشند. آقای موسوی اضافه کرد: نوع دیگر مبارزه، مبارزه برای به دست آوردن آزادی در برابر استبداد داخلی است و مبارزه زمانی پیچیده می‌شود که بحث مبارزه استبداد داخلی باشد.

آقای موسوی بیان داشت: مبارزاتی را که در افغانستان از دهه اول حاکمیت حبیب الله خان تا امروز داریم، مخلوطی از مبارزات خارجی و داخلی بوده، اما این مبارزات در بُعد خارجی بسیار کم و در بُعد داخلی بسیار زیاد بوده است.

این استاد دانشگاه اظهار داشت: مبارزات داخلی گاهی به‌نام آزادی، عدالت‌خواهی و برابری آغاز شده است، اما بعداً در وسط یا آخر راه بحث طوری می‌شود که برای پیاده کردن عدالت باید قدرت به دست آورد. که این مبارزات را مبارزه قدرت محور می‌شود گفت.

آقای سید عسکر موسوی بیان داشت: «یکی از عیب‌های بحث عدالت‌محور این است که در

آغاز هدفش گرفتن قدرت نیست، از همین لحاظ بسیار مورد توجه قرار نمی‌گیرد و معمولاً مردم می‌گویند این‌ها به هیچ‌جایی نمی‌رسند، اما بحث دقیق این است که مبارزه عدالت‌محور در ذاتش رفتن به‌طرف قدرت را منسوخ می‌داند؛ مبارزه عدالت‌خواه حتماً منظورش رسیدن به قدرت و بعد اعاده عدالت نیست.»

دکتر موسوی گفت: یکی از نمونه‌های مبارزه برای جنبش عدالت‌خواهی مبارزه طاهر بدخشی بود. او اولین روشن فکر افغانستانی است که فکر راه‌حل عادلانه این سرزمین را داشت.

آقای موسوی اظهار داشت: به باور طاهر بدخشی نظریه همه‌گیر و واقعی از مبارزه عدالت‌خواهی این بود که وقتی بحث عدالت شد، عدالت هزاره‌گی و پشتونی و تاجیکی و اوزبکی دیگر مطرح نیست؛ او عدالت را برای همه شهروندان کشور می‌خواست.

دکتر موسوی گفت: مبارزه عدالت‌خواهی ترمنولوژی‌های خاص خود را دارد، عدم وابسته‌گی و خودکفایی یکی از این عناصر آن است، کسانی مانند آهنگرپور و بدخشی و هزاران تن دیگری که نام‌هایشان گرفته نشده است از این قماش

جریان‌هایی بیرون شود که از نگاه فکری، مالی، نوع نظام و حکومت‌داری مطلق بومی و از خود باشد؛ هر قدر مباحث سیاسی با پسوند و پیشوند «ایسم» وارد افغانستان شده، از اروپا آمده است.

آقای صالح در پیوند به انتخابات سال گذشته و به گفته او در پاسخ به پرسش‌های که از او در این مورد می‌شود گفت: «ما انتخابات را در افغانستان نداشتیم، بلکه در واشنگتن و لندن داشتیم؛ آن‌جا تصمیم گرفتند که باید کی به ارگ برود نه بر اساس صندوق‌ها رأی. جریانی را که ما از آن حمایت کردیم در افغانستان برنده بود، اما در واشنگتن باخت.»

او بیان داشت: «وابسته‌گی تعریف خشک پنجاه سال قبل خود را ندارد، تعریف آن در دنیای امروز تعریف ناهایی به خود گرفته است، اروپایی‌ها به‌حدی به یک‌دیگر وابسته می‌شوند که مرزهای خود را بر می‌دارند و به‌طرف منطقه‌گرایی و جهان‌گرایی می‌روند. جنبش‌های بومی در کشوری مانند افغانستان بدون داشتن تعلقات با منافع منطقی و جهانی ناکام می‌ماند، چنانی که جهان در مبحث دولت‌سازی ناکام ماند.»

رییس روند سبز خاطر نشان کرد: ما نیاز به توصل

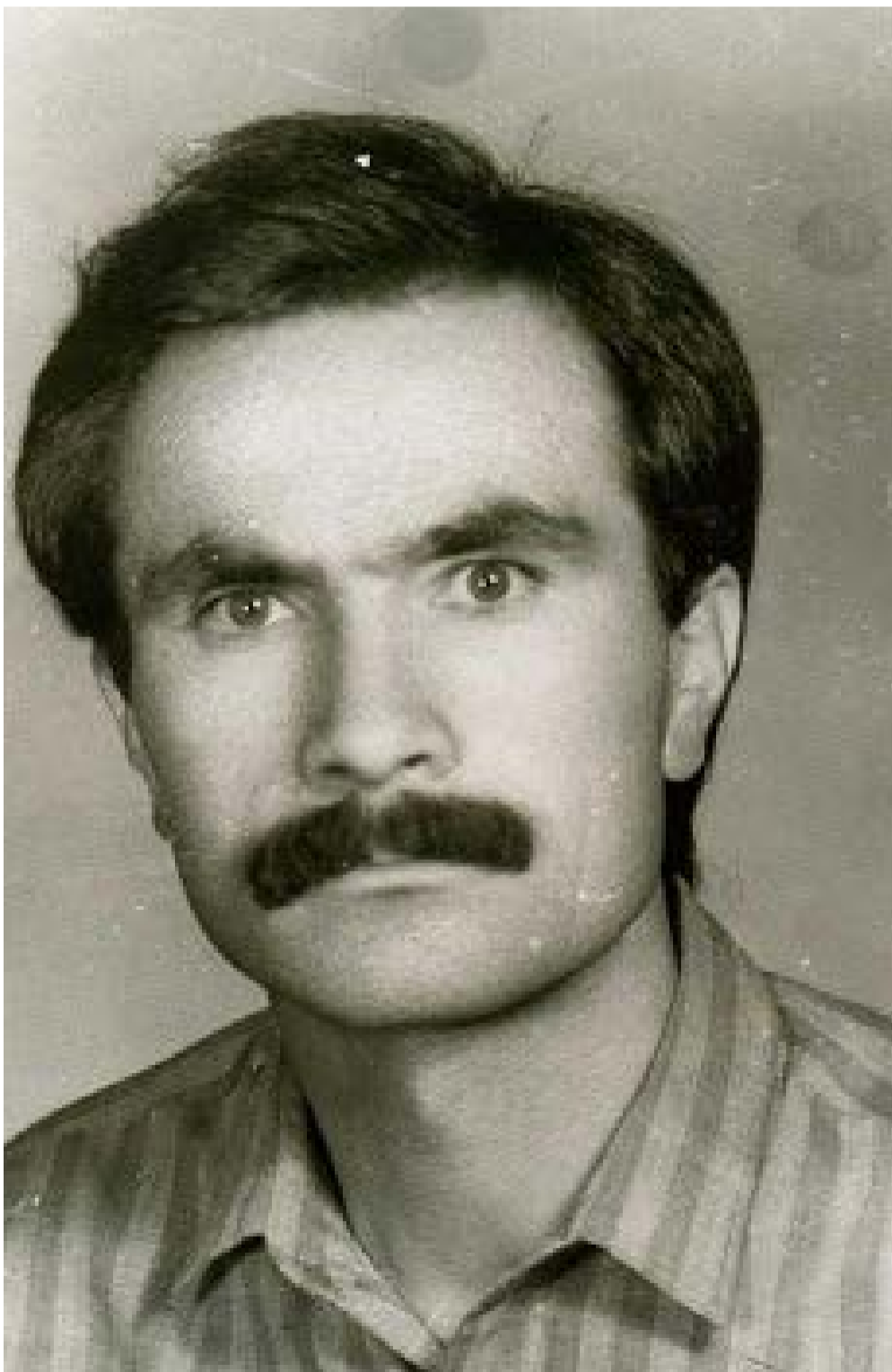
به مبارزه مسلحانه در شرایطی که فرصت‌های عظیمی صلح‌آمیز برای رسیدن به اهداف وجود دارد نداریم؛ چیزی که شدیداً به آن نیازمند هستیم و ابتدا کهنه‌گی ندارد، آگاهی است، هر قدر به ملت آگاهی و بستر سازی شود بخش‌های بزرگ کشور به پایگاه تبدیل خواهد شد.

گفتنی است که حفیظ آهنگرپور در سال ۱۳۳۱ خورشیدی در منطقه سر قلعه باباعلی ولسوالی آبشار ولایت پنجشیر چشم به جهان گشود. او از چهره‌های نزدیک به طاهر بدخشی، مولانا باعث، مجید کلکانی و از پیروان مکتب تفکر ملی بنیان‌گذاران محفل انتظار در دهه چهل بود.

سر انجام آهنگرپور با هفت تن از دوستانش در ۱۳ جوزای سال ۱۳۵۸ از زندان پل چرخ‌سی به جاهای نامعلومی انتقال داده شدند و اعدام گردیدند.

# گرامی داشت

## از حفیظ آهنگرپور



هستند.

در سویی دیگر، ام‌الله صالح رییس روند سبز افغانستان در این برنامه گفت: یاد بود از عبدالحمیدزاده آهنگرپور در حقیقت ابهام‌زدایی و بازکردن لایه‌های یک معمای است، مبارزین دهه پنجاه را برای جوانان امروز می‌شناساند که چهل سال قبل کسانی تکانه‌یی ایجاد کردند و آن تکانه سبب شد تا عدالت نسبی که در کشور وجود دارد به وجود بیاید.

آقای صالح در پیوند به ناکامی مبارزین جریان‌های چپ و راست دهه‌های گذشته بیان داشت: در تکانه اول، چپ و راست‌های انقلابی در مبارزه مسلحانه خود سرکوب شد، ناکام ماند و کشته شد؛ قیام درواز که توسط یک روحانی همکار دولت که تمام قیام‌کننده‌های آن به زندان انداخته می‌شوند نمونه آن است.

رییس روند سبز گفت: در عین زمان قیام مسلحانه‌یی که توسط راست‌گرایان انقلابی به راه انداخته شد در پنجشیر سرکوب شد، شباهت‌های زیادی میان این دو سرکوب وجود دارد، دلیل اصلی دو سرکوب شدن‌ها عدم گذار از پایگاه‌سازی و آگاهی برای مردم است.

آقای صالح در پیوند به پایگاه‌سازی از منظر استخباراتی بیان داشت: «بهترین تعریف پایگاه محفوظ‌بودن مطلق از خطر دشمن در بستر مردم است، این تعریف از گفته بسیار معروف مانو گرفته شده است که می‌گوید: چریک حیثیت ماهی را دارد و مردم حیثیت آب را و مردم به‌عنوان آب باید زنده‌گی چریک را تأمین کند.»

او بیان داشت: آرمان‌شهر عدالت‌خواه و آرمان‌خواه رسیدن به قدرت است؛ چون در جهان سوم بدون تسخیر قدرت، تأمین عدالت ناممکن است؛ در افغانستان نه چپ انقلابی و نه هم راست انقلابی به آرمان‌شهر خود نرسید، اما برای هر دو جریان فرصت‌هایی مهیا شد که بنابر دلایل مختلف، هر دو ناکام شدند.

رییس پیشین امنیت ملی گفت: «چپی‌ها قدرت را به دست آوردند، اما به‌جای آوردن اصلاحات، خواستند فرهنگ بدیل بسازند؛ بنا در برابر فرهنگ حاکم و مستحکمی قرار گرفتند؛ فرهنگ بدیل هم ساخته نتوانستند و با واکنش شدید روبه‌رو شدند و در نتیجه شکست خوردند.»

او اذعان داشت: کشوری مثل افغانستان، با داشتن اقتصادی شکسته هیچ امکان ندارد که از بطن آن

# نویسنده‌ها یکی از منطقه سووستو

مقاله «ماگارت آتوود» درباره زندگی و آثار «آلیس مونرو» نویسنده کانادایی

بخش نخست

در این میان، آلیس مونرو جزو نویسنده‌گانی است که هر از چند گاهی خارج از کانادا مورد توجه قرار می‌گیرد. انگار که به ناگهان از درون کیک بزرگی بیرون بجهد و بگوید: «سلام!». مدت زمانی می‌گذرد و او سکوت می‌کند اما دوباره ناگهان پیدایش می‌شود و این کار را تکرار کند و باز کل این ماجرا تکرار می‌شود. مخاطبان ادبیات نام آلیس مونرو را همه‌جا نمی‌بینند و از همه‌کس نمی‌شنوند. گاهی تصادفاً با داستان‌هایش برخورد می‌کنند و ناگهان شگفت‌زده می‌شوند و با خود می‌گویند: «آلیس مونرو اهل کدام کشور است؟ چرا قبلاً از کسی اسمش را نشنیده بودم؟ چنین داستان‌نویس قهاری یک‌دفعه از کجا پیدایش شده؟»



شیفته‌گی به ساحل غربی، به این ایالت بازگشت و هم‌اکنون نیز خیلی دور از وینگهام زنده‌گی نمی‌کند، یعنی همان‌جایی که به شکل‌های متفاوت ژوبیلی‌ها، والی‌ها، دالگلیش‌ها و هانراتی‌ها در داستان‌هایش دیده می‌شوند.

داستان‌های مونرو، منطقه «هورن کانتی» سووستو را شبیه منطقه «یونکاپاتافا کانتی» ویلیام فاکنر کرده، تکه‌زمینی که توسط نویسنده چیره‌دستی به اسطوره و افسانه تبدیل شده و مورد ستایش قرار گرفته، هرچند که در هر دو سرزمین این دو نویسنده استفاده از عبارت «مورد ستایش قرار گرفته» کمی نادرست است. در داستان‌های مونرو بهتر است که بگوئیم این تکه‌زمین توسط چنین نویسنده‌یی «کالبدشکافی» شده است، هرچند هم که عبارت «کالبدشکافی» آدمی را یاد کلینیک‌های پزشکی می‌اندازد. خوب، داستان‌های مونرو در اصل مخلوطی از چند خصوصیت متفاوت‌اند، چه کلمه‌یی را می‌توان به معنای آمیخته‌یی از موشکافی و سواسی و باستان‌شناسانه، تجدید خاطر ظریف و با جزئیات، بررسی دقیق و کامل لایه‌های پیچیده طبیعت انسان، یادآوری اسرار ارویتیک، نوستالژی بدبختی‌های از میان رفته و زنده‌گی در شادی و تنوع به‌کار برد؟

در پایان کتاب «زنده‌گی دختران و زنان» که در سال ۱۹۷۱ منتشر شده و تنها رمان مونرو به حساب می‌آید - داستانی که چهره دختر هنرمندی را در جوانی نشان می‌دهد - عبارت مهمی وجود دارد. دل جوردن از منطقه ژوبیلی که به جمع نسوان شهر پیوسته و دیگر دختر کوچکی به حساب نمی‌آید و به نویسنده‌گی هم روی آورده، درباره دوره نوجوانی و بلوغش می‌گوید: «من این‌طور بزرگ نشده‌ام که روزی برای ژوبیلی دندان تیز کنم. همان‌طور که عمو کریگ نیز در «جنکین بند» نشسته و مشغول نوشتن تاریخ سرزمینش است، من هم می‌خواهم زنده‌گی‌ام را به تحریر درآورم.» باید لیستی تهیه کنم. لیستی از انبارها و بنگاه‌های خیابان اصلی و کسانی که به‌شان بدهکارند، لیستی از نام خانواده‌ها، نام‌هایی که بر روی قبرهای قبرستان حک شده و توضیحاتی که زیرشان نوشته شده. «امید به درستی چنین کارهایی، چه احمقانه و مضحک است.» «هیچ لیستی تمام آن چیزهایی که می‌خواهم را در برنخواهد گرفت، چون من همه چیزها را می‌خواهم، تمام لایه‌های فکر و سخن، تشعشع نور بر روی دیوارها و پوست درختان، گودی‌ها و دست‌اندازها، دردها، ترک‌ها، وهم و خیال‌ها که همه‌گی هنوز وجود دارند و برای همیشه هم وجود خواهند داشت.»

و شصت نیز ناشران اندکی در کانادا وجود داشتند و بیشترشان ناشران کتب درسی بودند و آنچه به نام ادبیات به کانادا می‌آمد، از بریتانیا و امریکا وارد می‌شد. با این وجود، چندتایی گروه پیش‌پافتاده تیاتر دبیرستانی با اجراهای معمولی در این شهر دیده می‌شدند. در آن زمان رادیو رسانه غالب بود و در سال‌های شصت مونرو کارش را در شبکه سی‌بی‌سی و با شرکت در برنامه «گلچین ادبی» شروع کرد، برنامه‌یی که «اربرت ویور» تهیه‌کننده‌اش بود.

اما در این زمان اندکی از نویسنده‌گان کانادا در جهان موفق شده بودند و مخاطبان جهانی داشتند و اگر کسی اشتیاق نویسنده‌گی داشت و دلش می‌خواست افراد زیادی در جهان آثارش را بخوانند، سرخورده می‌شد، چون هنر در آن منطقه چیز معقولی به حساب نمی‌آمد و هنرمندان زیادی وجود نداشتند و در نهایت آن فرد مجبور به ترک کشور می‌شد. در آن‌زمان همه می‌دانستند که با نویسنده‌گی نمی‌شود چرخ زنده‌گی را چرخاند و پولی به‌دست آورد.

در نهایت اگر کسی خیلی مشتاق بود، با آبرنگ نقاشی می‌کرد و شعر می‌گفت و آن‌طور که مونرو در داستان «فصل بوقلمون» گفته است: «کلی آدم عجیب و غریب در شهر بود و همه، همه را می‌شناختند. یکی از آن‌ها آدم خوش‌قواره با موهای مجعد بود که کاغذدیواری نصب می‌کرد و خودش را طراح داخلی منازل لقب داده بود، دیگری کشیش جاق زن‌مرده‌یی بود، پسری فاسدی هم بود که همیشه در مسابقه کیک‌پزی شرکت می‌کرد و رومیزی قلاب‌دوزی می‌کرد، دیگری مدیر مالیخولیای کلیسا بود و معلم موسیقی گروه کر مدرسه هم بود که با اوقات تلخی همیشه بر سر شاگردانش داد می‌زد.» تنها گزینه برای یک زنی که دستش در جیب خودش بود، این بود که هنر را به‌عنوان یک تفریح و سرگرمی انتخاب کند و یا این‌که در نهایت یک شغل به اصطلاح بخور و نمیر هنری گیر بیاورد و مشغول آن شود. داستان‌های مونرو ماجرای زن‌های این‌چنینی است. زن‌هایی که پیانو درس می‌دهند یا برای ستون روزنامه‌یی مطلب می‌نویسند. اگر هم مثل «آلمدا راث» در داستان «مستونگ» که اشعار کوتاهی با نام «هدایا» می‌سرود، استعدادی داشته باشند، هیچ زمینه پیشرفتی برای‌شان وجود نخواهد داشت.

اگر به یک شهر نسبتاً بزرگ کانادا بروید، شاید چندتایی خانواده درست‌وحسابی پیدا کنید، اما در شهرهای کوچک ایالت سووستو، باید روی پای خودتان بایستید. در این بین، جان کنت گالبرایت، رابرتسون دیویس، ماریان اینگل، گرائم گیسون و جیمز رینی همه و همه زاده همین ایالت سووستو بوده‌اند و مونرو نیز با وجود

یکی از ایالت‌های بسیار بزرگی است در کانادا که از رودخانه اوتاوا تا غرب در دریاچه سوپریور وسعت دارد. انتاریو منطقه جالب و وسیعی است، اما جنوب غربی انتاریو جای دیگری است و با مابقی این ایالت تفاوت‌های زیادی دارد. «گرگ کورنو» نقاش، آن‌جا را «سووستو» لقب داده. در نظر «کورنو» سووستو منطقه شگفت‌انگیزی است اما غرابت و افسرده‌گی عجیبی نیز در این منطقه حکم‌فرماست و خیلی از ساکنان این منطقه با «کورنو» در این اظهارنظر هم‌عقیده هستند. «رابرتسون دیویس» نیز اهل سووستو است و درباره آن‌جا گفته: «من رسوم تاریک و قومی مردم این منطقه را می‌شناسم.» خوب، مونرو هم این آداب و رفتارهای مردم منطقه را به خوبی می‌شناسد. اگر در مزارع گندم منطقه سووستو قدم بزنید، هم ممکن است که با خدای خود ملاقات کنید و هم ممکن است جهنم جلوی چشم‌تان بیاید و این ویژه‌گی خاص این منطقه است. دریاچه «هورن» در قسمت غربی سووستو قرار دارد و دریاچه «اری» در جنوب این ایالات واقع است. بیشتر این ایالت را مزرعه پوشانده در حالی که رودخانه‌های سیل‌آسا نیز از میان این مزارع عبور می‌کنند. حمل و نقل با قایق و آسیاب‌های آبی که برق منطقه را فراهم می‌کردند، موجب شدند که در قرن نوزدهم شهرهای کوچک و بزرگی در این ایالت شکل بگیرند. در همه این شهرها سالون اجتماعات آجری سرخ‌رنگی دیده می‌شود که عموماً برجکی نیز بر آن سوار است. در همه این شهرها اداره پست و کلی‌کلیسای ریز و درشت ساخته شده و خیابان اصلی و قسمت زیبای مسکونی شهر و هم‌چنین قسمت‌های مسکونی غیرمجاز کاملاً نمایان است. هر یک از این خانه‌ها داستان خودش را دارد و استخوان‌های خاندان مشخصی را در خود پنهان کرده است.

در قرن نوزدهم هم‌چنین قتل عام «دانلی» در این ایالت صورت گرفت و منطقه وسیعی از قبرستان این قتل‌عام در سووستو دیده می‌شود. خانواده‌های زیادی در این واقعه که ناشی از جنجال‌های سیاسی ایرلند بود، قتل عام شدند و خانه‌های‌شان در آتش سوخت. طبیعت مست، احساسات سرخورده، عقده‌های روانی پنهان، خشونت‌های بارز، جنایت‌های مستهجن و زشت و کینه و رشک و غیبت‌های مداوم مردم، از ویژه‌گی‌های منطقه سووستو داستان‌های مونرو است که همه از زنده‌گی واقعی این منطقه الهام گرفته شده‌اند.

مونرو در سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۰ در این منطقه بزرگ شده و در آن زمان اگر کسی در شهر کوچک منطقه جنوب غربی انتاریو حرف از نویسنده‌گی می‌زد، مضحکه خاص و عام می‌شد. حتا در سال‌های پنجاه

«آلیس مونرو» در میان نویسنده‌گان مهم داستان‌های انگلیسی‌زبان عصر ما جای دارد. منتقدان ادبی در امریکای شمالی و بریتانیا، آثار او را بسیار ستوده‌اند و وی هم‌چنین جوایز ادبی زیادی نصیب خود کرده و دنیا به‌خوبی با آثارش آشنایی دارد. در میان نویسنده‌گان نیز نام آلیس مونرو به‌آرامی زمزمه می‌شود. آلیس مونرو از آن دسته نویسنده‌گانی است که اغلب درباره‌شان می‌گوئیم که هرقدر هم در جهان شناخته‌شده باشند، بازهم باید بیشتر آن‌ها را شناخت.

اما تمامی این ویژه‌گی‌ها یک‌شبه به‌دست نیامده است. مونرو از سال‌های ۱۹۶۰ دست به قلم شده و اولین مجموعه‌اش را با نام «رقص سایه‌های شاد» در سال ۱۹۶۸ منتشر کرده است. آخرین مجموعه داستانش نیز با نام «فرار» در سال ۲۰۰۴ منتشر شده و مورد توجه رسانه‌های ادبی قرار گرفته است. مونرو در مجموع، ده مجموعه داستان منتشر کرده که هر کدام به‌طور متوسط شامل ۹ یا ۱۰ داستان کوتاه است. هرچند داستان‌های مونرو پیوسته از سال ۱۹۷۰ در مجله «نیویورکر» منتشر شده‌اند، اما این روزها جامعه ادبی جهان دیر به سراغ داستان‌های این نویسنده می‌رود. دلیل این بی‌توجهی، قسمتی به فرم داستان‌های مونرو برمی‌گردد چرا که او داستان‌نویس است، یا به عبارتی آن‌طور که در گذشته‌ها می‌گفتیم: قصه‌نویس و یا آن‌طور که امروز رایج‌تر است: داستان‌کوتاه‌نویس. نویسنده‌گان امریکایی، انگلیسی و کانادایی تراز اول زیادی بوده‌اند که این فرم را تجربه کرده‌اند، یعنی داستان کوتاه نوشته‌اند، اما هنوز خیلی‌ها به اشتباه بر این باورند که هرچه طول یک داستان بیشتر باشد، اهمیت آن بیشتر خواهد شد.

در این میان، آلیس مونرو جزو نویسنده‌گانی است که هر از چند گاهی خارج از کانادا مورد توجه قرار می‌گیرد. انگار که به ناگهان از درون کیک بزرگی بیرون بجهد و بگوید: «سلام!». مدت زمانی می‌گذرد و او سکوت می‌کند اما دوباره ناگهان پیدایش می‌شود و این کار را تکرار کند و باز کل این ماجرا تکرار می‌شود. مخاطبان ادبیات نام آلیس مونرو را همه‌جا نمی‌بینند و از همه‌کس نمی‌شنوند. گاهی تصادفاً با داستان‌هایش برخورد می‌کنند و ناگهان شگفت‌زده می‌شوند و با خود می‌گویند: «آلیس مونرو اهل کدام کشور است؟ چرا قبلاً از کسی اسمش را نشنیده بودم؟ چنین داستان‌نویس قهاری یک‌دفعه از کجا پیدایش شده؟»

اما واقعیت این است که مونرو یک‌دفعه از هیچ پیدایش نشده. مونرو در واقع از «هورون کانتی» در جنوب غربی انتاریو یعنی همان‌جایی که بیشتر شخصیت‌های داستان‌هایش اهل آن‌جا هستند، پیدایش شده. انتاریو





# «بند دوستی افغان – هند امروز افتتاح می شود»

## برنامه ملی میثاق شهروندی راه اندازی می شود

محمد اشرف غنی رییس جمهور کشور از طریق ویدیو کنفرانس در مرکز ملی توحید، با والیان ۳۴ ولایت کشور در مورد برنامه ملی میثاق شهروندی صحبت کرد. در آغاز، احمد شهیر شهیار معین برنامه های وزارت انکشاف دهات، ضمن معرفی برنامه ملی میثاق شهروندی گفت که برنامه ملی میثاق شهروندی، برنامه های انکشافی را تحت یک چتر می آورد و به خاطر دسترسی مردم به خدمات اساسی، روش های معتبر و موثر را تطبیق می کند. او گفت که بر اساس سند خودکفایی افغانستان، حکومت متعهد است تا برنامه ملی میثاق شهروندی را به منظور حمایت از جوامع فقیر جهت دسترسی به خدمات اساسی، طرح و تطبیق کند. آقای شهیار گفت که برنامه ملی میثاق شهروندی به شوراها قریه ها نقش جدید می دهد و این نقش مجرای اساسی برای انجام فعالیت های انکشافی در دهات و نظارت از ارائه خدمات را فراهم می کند. او افزود که شورای انکشافی قریه منیث یک نهاد فراگیر در قریه ها ایجاد می شود که ۳۵ درصد اعضای آنان را زنان تشکیل می دهند. معین برنامه های وزارت انکشاف دهات افزود که برنامه ملی میثاق شهروندی خدمات اساسی صحتی، خدمات آموزشی، تنظیم آب (آب آشامیدنی، آبیاری، جلوگیری از آسب سیلاب ها و حفظ الصحه محیطی)، تکنالوژی زراعتی برای ترویج زراعت، راه های مواصلاتی دهات و انرژی قابل تجدید به سطح قریه را عرضه می کند. آقای شهیار گفت که برنامه ملی میثاق شهروندی در شهرها توسط ریاست مستقل ارگان های محل و شهرداری ها در همکاری نزدیک با وزارت های ذیربط، تطبیق خواهد شد. او افزود که برنامه ملی میثاق شهروندی در دهم میزان سال جاری آغاز می گردد و از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۶ در سه مرحله تطبیق می گردد، برنامه ملی میثاق شهروندی در مرحله اول یک سوم کشور را در بر می گیرد و طی ده سال در سراسر کشور تطبیق می گردد. رییس جمهور غنی در ادامه گفت که حکومت وحدت ملی یکی از تعهدات خویش را از توری به عمل تبدیل کرد و اینک یک قرارداد برای خدمات همه جانبه بین مردم و دولت صورت می گیرد. آقای غنی گفت که حالا ما یک بسته واضح و شفاف برای ارائه خدمات به مردم داریم. او خطاب به والیان گفت که در مرکز، یک فرهنگ خوب همکاری آغاز شده و در ولایات نیز باید این همکاری به وجود آید. رییس جمهور غنی از والیان خواست که تعهد حکومت وحدت ملی را به مردم با وضاحت بیان کنند. او افزود که ما متعهد به تغییر پایدار در زندگی مردم هستیم و تغییر پایدار برای حکومت مهم است. آقای غنی گفت که من شاهد یک تغییر در ظرفیت، همکاری و دیدگاه در وزارت خانه ها می باشم و برنامه ملی میثاق شهروندی در زمینه کاری با مردم همکاری خواهد کرد. او با تأکید گفت که از گذشته که میراث خوب به ما نمانده است، باید درس بگیریم. در این ویدیو کنفرانس دکتر عبدالله ربیع اجرایی نیز صحبت کرد و گفت که امروز یک گام بزرگ برداشته شد. در سابق که در قریه جات خدمات وجود نداشت، اکثریت مردم به شهرها هجوم می بردند. اما با تطبیق برنامه میثاق ملی شهروندی، خدمات و سهولت ها برای تمام مردم افزایش خواهد یافت. او افزود که مردم در عرضه خدمات نقش زیاد داشته باشند تا از فرهنگ خیالی بیرون شوند. عبدالباقی پوپل سرپرست ریاست ارگان های محل در این ویدیو کنفرانس گفت که ما در یک دهه آینده باید در زندگی مردم تغییر مثبت را به میان آوریم. او افزود که بعد از عرضه خدمات باید مردم در زمینه مراقبت و حفاظت از پروژه ها، همکاری کنند. هم چنان، سرپرست ولایت بلخ، والی هرات و معاونین ولایات ننگرهار و قندهار در صحبت های شان از برنامه ملی میثاق شهروندی استقبال کردند و از همکاری خویش در زمینه تطبیق آن اطمینان دادند.

کالاها تولید شده و جذب کارگران بیشتر در واحدهای تولیدی گردد. این مهم می تواند باتوجه به حمایت دولت از تولیدات داخلی و الزام بخش عمومی (وزارت خانه ها و ارگان های دولتی) به خرید و مصرف کالاها ساخت و تولید داخل، در اقتصاد ملی نیز تحرک و رونق ایجاد نموده و نرخ بیکاری در سطح کشور را تا حدودی کاهش دهد. سیف الدین سیحون یکی از استادان دانشکده اقتصاد دانشگاه کابل می گوید که منافع پروژه های نظیر بند برق سلما می تواند در دراز مدت برای توسعه اقتصادی افغانستان موثر باشد. آقای سیحون با بیان این که بی درنگ از یک بند بهره برداری نمی شود، می گوید که سال ها طول می کشد تا به خود کفایی برسد چندین سال باید منتظر بود که این که مصرف اش را تأمین کند، از این بابت منافع این پروژه ها درازمدت اند و برای توسعه اقتصادی افغانستان در درازمدت اهمیت دارند.

این بند به مصرف ۲۹۰ میلیون دالر ساخته شده و توانایی تولید ۴۲ میگوات برق را دارد. همچنان آب ۷۵ هزار هکتار زمین زراعتی در هرات از این بند تأمین خواهد شد. گفتنی است که دولت هند در پانزده سال گذشته، یکی از کمک کننده گان مهم افغانستان در بخش های مختلف به ویژه پروژه های بازسازی و انکشافی، بوده است.

هندی «وابکاس» کار ساخت آن آغاز گردید. زمان اولیه برای اتمام ساخت این پروژه ۴ سال با هزینه ۸۰ میلیون دالر در نظر گرفته شده بود که اینک بعد از ۶ سال تأخیر با هزینه مجموعی ۳۰۰ میلیون دالر، مورد بهره برداری قرار می گیرد.

بند سلما ۲۰ کیلومتر طول و ۳/۷ کیلومتر عرض دارد که گنجایش ذخیره کردن ۶۴۰ میلیون متر مکعب آب را دارا است. این بند در ولسوالی چشت هرات بر روی دریای هریود ساخته شده است.

آگاهان اقتصادی به این باور اند که پروژه بند برق سلما در کنار داشتن نقش برجسته برای کشاورزی، تأمین انرژی پایدار و ارزان، بهبود وضعیت محیط زیستی، برای شمار زیادی از شهروندان بیکار اشتغال ایجاد کنند.

آنان به این باور اند که با اتمام پروژه ساخت بند برق سلما و استفاده دو منظوره از آن، می تواند در میان مدت و دراز مدت باعث کاهش نرخ بیکاری در حوزه جنوب غرب و کل کشور گردد.

آگاهان می گویند که زیر کشت رفتن بیش از هفتاد هزار هکتار زمین زراعتی می تواند برای هزاران نفر به صورت مستقیم و برای صدها نفر به صورت غیر مستقیم ایجاد اشتغال و درآمد نماید و بخشی عظیمی از مردم فاقد زمین کشاورزی را صاحب زمین و کار سازد. هم چنین تأمین برق مورد نیازهای کارخانه های تولیدی و صنعتی به خصوص شهرک صنعتی هرات، باعث افزایش تولید، کاهش قیمت های تمام شده

## شاهسلطان عاکفی و جان داد سپین غر:

# برگزاری انتخابات در میزان ناممکن است

ابوبکر صدیق

نشان کرد: مسأله تأمین امنیت انتخابات که بسیار مهم است باید در اولویت برنامه دولت قرار داشته باشد؛ اما در این زمان اندک فراهم آوری این همه برای دولت دشوار خواهد بود. او تصریح کرد: اقدام اخیر دولت به خاطر برگزاری انتخابات در سال روان و بیرون کردن پارلمان افغانستان از سردرگمی قابل قدر است؛ اما این کار به وقت زیاد نیازمند است.

آقای عاکفی می افزاید: مردم افغانستان و جامعه بین المللی خواهان برگزاری انتخابات شفاف استند، سفیر اتحادیه اروپا در افغانستان دو ماه پیش گفته بود که از انتخابات و کمیسیون انتخابات افغانستان وقتی پشتیبانی می کنند که اصلاحات بنیادی در این نهاد وارد شود. اگر اصلاحات در کمیسیون انتخابات وارد نشود، بی اعتمادی بی که مردم نسبت به کمیسیون انتخابات دارند، در انتخابات اشتراک نخواهند کرد.

آقای عاکفی تصریح کرد: بسته های پیشنهادی کمیسیون ویژه اصلاحات انتخاباتی در ابتدا مورد استقبال رییس جمهور و رییس اجرایی دولت وحدت ملی قرار گرفت، اما دیده شود که آیا بسته های پیشنهادی از طرف دولت اجرایی و عملی می شود، یا این که روی کاغذ باقی خواهند ماند.

هم چنان، جان داد سپین غر آگاه مسایل انتخاباتی می گوید: با تأسف فروان باید گفت که سر درگمی در روند اصلاحات انتخاباتی وجود دارد؛ اما در حال حاضر بیشتر مسوولیت بدوش نماینده های مردم در پارلمان کشور است. فرمان تقنینی رییس جمهور که اساس اصلاحات کمیسیون انتخابات مرتبط به آن است، در پارلمان قرار دارد و نماینده های مردم با احساس مسوولیت باید این فرمان را مورد تأیید قرار دهند.

آقای سپین غر افزود: هرگاه فرمان رییس جمهور در پارلمان کشور مورد تأخیر قرار بگیرد، ما شاهد بن بست دیگری در روند اصلاحات انتخاباتی خواهیم بود و پروژه انتخابات بار دیگر در سر درگمی قرار خواهد

هارون مجیدی  
بند برق سلما در هرات امروز شنبه، ۱۵ جوزا با حضور رییس جمهور غنی و نریندرا مودی، نخست وزیر هند افتتاح می شود.

قرار است که مودی در این سفرش به افغانستان، علاوه بر افتتاح بند سلما، با سران افغانستان روی همکاری میان دو کشور در بخش های مختلف از جمله امنیتی و اقتصادی، نیز گفت و گو کند.

دو اخان مینه پال، معاون سخنگوی ریاست جمهوری گفته است که اشرف غنی و مودی، روی مسایل افغانستان و منطقه، روابط اقتصادی، همکاری امنیتی و نظامی میان دو کشور نیز بحث می کنند.

بند برق سلما یکی از پروژه های با اهمیت و مورد دقت برای شهروندان افغانستان گفته شده است.

در همین حال، وزارت خارجه هند با انتشار اعلامیه بی می گوید که افتتاح بند سلما، نمایانگر تعهد هند در انکشاف و بازسازی افغانستان است.

بر اساس اعلامیه، روی این پروژه انجنیران هندی و افغانستانی در شرایط خیلی دشوار کار کرده و تکمیل آن، نشان دهنده پیروزی تلاش دو کشور است.

پروژه بند برق سلما یکی از پروژه های دو منظوره افغانستان است که در زمان داوودخان نخستین

رییس جمهور افغانستان در سال ۱۹۷۶م / ۱۳۵۵ خورشیدی به کمک کشور هند آغاز گردید. بعد از کودتای سال ۱۳۵۷ این پروژه مثل سایر پروژه های زیربنایی متوقف شد و در سال ۲۰۰۵م / ۱۳۸۴ ش دوباره با کمک کشور هندوستان، توسط شرکت

مسوولان نهادهای انتخاباتی در افغانستان معتقد هستند که دولت نمی تواند انتخابات را در ماه میزان سال جاری برگزار کند.

آنان می گویند که برگزاری انتخابات بدون اصلاح کمیسیون های انتخاباتی فاقد اعتبار است.

رییس جمهوری پیشتر به نهادهای مسوول دستور داده بود که زمینه برگزاری انتخابات را تا ماه میزان سال جاری فراهم سازند.

اما آگاهان می گویند که اگر دولت در تلاش برگزاری انتخابات بدون آوردن اصلاحات بنیادی در کمیسیون های انتخاباتی باشد، بدون شک یک انتخابات غیر شفاف و فاقد اعتبار خواهیم داشت.

شاه سلطان عاکفی، رییس کمیسیون پیشین اصلاحات انتخاباتی در مصاحبه با روزنامه ماندگار می گوید: اقدام دولت به خاطر ایجاد زمینه برگزاری انتخابات پارلمانی و شورای ولسوالی ها جدی نیست؛ دولت افغانستان، اگر اراده جدی به خرج می داد می توانست مشکلات اصلاحات در کمیسیون انتخابات را به اساس بسته های پیشنهادی کمیسیون ویژه اصلاحات انتخاباتی در زمان اندک حل کند.

آقای عاکفی افزود: در حال حاضر وقت بسیار اندک باقی است که دولت برای برگزاری انتخابات آماده گی بگیرد، به اساس محاسباتی که کمیسیون های انتخاباتی دارند، حداقل آماده گی برای برگزاری انتخابات ۶-۸ ماه را در برمی گیرد تا فهرست رای دهنده گان را آماده کنند و منابع مالی (لوژستکی) و ... را فراهم سازند.

به گفته او، تا زمانی که اصلاحات بنیادی در کمیسیون انتخاباتی وارد نشود؛ برگزاری انتخابات دشوار و مورد قبول مردم نیست. فرمان تقنینی رییس جمهور که آماده منظور است و به پارلمان فرستاده شده، می تواند در ایجاد اصلاحات در کمیسیون انتخابات کمک کند.

رییس پیشین کمیسیون ویژه اصلاحات انتخاباتی خاطر

بودند که بیشترین افراد آنرا اعضای انجمن قالین فروشان ترکمن و کارمندان عزیزی بانک تشکیل میداد.

عزیزی بانک یکی از بزرگترین بانکهای کشور بوده که در ۳۰ ولایت افغانستان بیشتر از ۸۰ نمایندگی دارد.

عزیزی بانک امسال ابتکارات عمده ی را بخاطر افزایش سهمش در بازار رویدست داشته و در فواصل معین زمانی چنین محافلی را راه اندازی خواهد کرد.

## برگزاری محفل عزیزی بانک برای تاجران ترکمن قالین به تاریخ ۳۱ می، ۲۰۱۶

حاجی حفیظ الله قل، رییس شورای برلشک ترکمن بخاطر راه اندازی چنین محفلی برای تاجران اظهار تشکر نمود.

محترم فرقانی از این ابتکار عزیزی بانک تقدیر به عمل آورده و از حمایت همه جانبه انجمن قالین ترکمن با بانک اطمینان داد.

در محفل مذکور به تعداد ۱۵۰ تن اشتراک نموده

بانک تشریف آوری مهمانان گرامی را در محفل خوش آمدید گفته و متعاقباً در مورد خدمات و دست آورد های بانک معلومات مختصر ارائه کرده و اطمینان داد که عزیزی بانک مطابق قوانین و مقررات بانکداری افغانستان هم امکانات خدمات و محصولات را برای تاجران محترم فراهم خواهد کرد.

سپس، محترم صبغت الله "فرقانی" مشاور محترم

آگاهی

عزیزی بانک روز سه شنبه، مورخ ۳۱ می، ۲۰۱۶ در هتل کابل ستار محفلی را تحت نام (آشنایی با عزیزی بانک) برای تاجران ترکمن قالین تدویر نمود. این محفل به اساس ابتکار همیشگی عزیزی بانک بخاطر شناسایی بخشهای مختلف تجارت در کشور راه اندازی گردیده بود. ابتدا محترم محمد سالم "امید" معاون عزیزی



**فیسبوک نامه**

ملک ستیز



**جای خالی پژوهش در رسانه‌های افغانستان**  
فعال‌ترین زمان و فضای رسانه‌یی را در افغانستان سریال‌ها و تحلیل‌های «روزمره‌زده» می‌یابند. تأثیرگذارترین زمان و فضای رسانه‌یی را ساعت شش تا ده شب شکل می‌دهد. در این مدت رسانه‌ها سریال‌های ترکی، هندی و پاکستانی پخش می‌کنند. جالب این‌که چندین رسانه هم‌زمان سریال پخش می‌کنند که بیننده‌ها را سرگردان و سراسیمه می‌سازند. در این مدت مخاطبین اصلی را خانواده‌ها و شایقین گفت‌وگوهای سیاسی-اجتماعی می‌سازند. خانواده‌ها از این سریال‌ها فقط ژست‌ها را می‌آموزند، چون فضا برای استفاده فراتر از آن میسر نیست. گروه دیگر رسانه‌ها مشغول خبر و تحلیل بر آن هستند. این گروه خبرها را پی‌هم تکرار می‌کنند و تحلیل‌های تکراری را به نمایش می‌گذارند. این گروه از کم‌بود برنامه‌های پژوهشی به شدت رنج می‌برند. برنامه‌های این طیف رسانه‌ها برخاسته از خبر هستند، نه برگرفته از محتوا و ریشه‌های تحقیقی. نتیجه این می‌شود که خانواده‌ها و شایقین بحث‌های سیاسی و اجتماعی با نمایشات خیالی و بحث‌های آرمانی مواجه شوند. این در حالی‌ست جایگاه برنامه‌های تأثیرگذار تربیتی و ترویجی در عرصه اجتماعی و سیاسی به شدت تهی شده است. من اگر رسانه‌ها را در عرصه تحلیل و پژوهش مقایسه کنم، باورمندم که رسانه‌های ما سه سال پیش وضعیت بهتری داشتند. برنامه‌های پژوهشی در برخی از رسانه‌های مطرح تأثیرات خیلی مهمی از خود برجا می‌گذاشتند. این تأثیرگذاری در عرصه‌های سیاست ملی و سیاست خارجی مشهود بود. حال آن‌که همین رسانه‌ها، امروز پس‌مانده‌های خبرهای داخلی و خارجی را نوش‌خوار می‌کنند. برای رسانه‌های مطرح و بارسالت پیش‌نهاد می‌کنم تا برنامه‌های ژرف‌نگر را پی‌ریزی کنند. من باورمندم که یک برنامه شگرف می‌تواند جایگاه چندین برنامه نیمه‌جان و مُرده را پُرکند. امیدوارم رسانه‌های گرامی این طرح مرا خُرده نگیرند و به‌مثابه یک پیش‌نهاد سازنده بپذیرند. شما به‌خوبی می‌دانید که من یکی از حامیان اساسی رسانه‌های ارزشمند در کشور هستم. بیایید با هم بر ذهنیت‌ها تأثیر گذاریم.

میرویس آریا



ما نیز در مرگ انسان‌های بی‌گناه در شاهرها مقصریم. ما یا در بیرون از کشور در شهرهای امنی به دور از دغدغه‌های امنیتی نشسته و یا در کابل میان دفاتر محاصره‌شده با سنگ‌های محافظتی بزرگ و مردان مسلح، پشت فیسبوک نشسته و بر مرگ طالب هورا می‌کشیم و هی اظهار بر نابودی‌شان می‌دهیم در حالی‌که هیچ‌کاری نیز از دست‌مان ساخته نیست. سال‌هاست شعارهای پوچ و میان‌خالی ما ادامه دارد و این جنگ را هر روز گرم‌تر می‌کنیم. چون اتفاق نمی‌افتد تا با موترهای بس مسافر ببری از راه‌های دشوار سفر کنیم و نیازی هم نیست از طریق زمین سفر کنیم، پس هراسی هم نداریم تا بر سر دیگران چه اتفاق می‌افتد. طالب جانی و قاتل است در این شکی نیست، اما ما هم آن‌قدر بر خشونت تأکید می‌ورزیم که حس جنایت را در وجود طالبان چند برابر کرده‌ایم. وقتی طالب اعدام می‌شود و یا رهبرشان کشته می‌شود، ما تمام جملات زشت و بد دنیا را کنار هم گذاشته نثارشان می‌کنیم و کف می‌زنیم، ولی قیمتش را طالب از انسان‌های دیگری می‌گیرد که نه دشنام فیسبوکی بلدند و نه در این جنگ زرگری اندک دخالتی دارند.

عزیز الله آریافر



قریه‌ها و خانه‌های طالبان پشت جبهه امن آنهاست. آنها از خانه‌های شان بیرون می‌شوند، با یک دولت محاربه می‌کنند؛ قتل عام راه می‌اندازند؛ مسافران را از شاهرها می‌ربایند و به گونه گزینشی تیرباران می‌کنند. و سپس به خانه‌ها و قریه‌های مصئون خود برمی‌گردند و تا حمله و وحشت آفرینی دیگر در امنیت و آرامش کامل به سر می‌برند. تا زمانی که قریه‌ها و خانه‌های طالبان، مصئونیت داشته باشند، آنها هرگز شکست نخواهند خورد!

**کشول**  
جهان‌نا

اوباما:

**تنها راه حل بحران سوریه گزینه سیاسی است**

رئیس‌جمهوری امریکا ضمن هشدار درباره سوق دادن نظامیان امریکایی به جنگی دیگر در منطقه، متذکر شد که گزینه دیپلماسی تنها راهکار برای حل بحران سوریه است. باراک اوباما رئیس‌جمهوری امریکا، از رویکرد بحث برانگیزش درباره بحران سوریه دفاع کرد و درباره خطر کشیده شدن ایالات متحده به جنگ داخلی جدید در خاورمیانه هشدار داد. اوباما در سخنانی در آکادمی نظامی نیروی هوایی امریکا در «کلرادو» گفت: «پیشنهاد درباره مداخله نظامی قوی امریکا در درگیری‌های مشابه جنگ داخلی در سوریه باید به‌طور کامل مورد بررسی قرار گیرد. باید خطرات پیش‌روی آن‌ها را نیز به درستی مدنظر قرار داد.» اوباما این پرسش‌ها را مطرح کرد که «تأثیر این مداخله در این جنگ چه خواهد بود؟ گام بعدی چیست؟» رئیس‌جمهوری امریکا بارها تأکید کرده است که ارسال نظامیان به سوریه برای سرنگون کردن نظام بشار اسد رئیس‌جمهوری این کشور یا مبارزه با گروه تروریستی داعش اشتباه است. او در ادامه گفت: «تنها راه‌حل بحران سوریه گزینه سیاسی است.» اوباما بار دیگر خواستار کناره‌گیری بشار اسد از قدرت شد و در عین حال تأکید کرد: این امر مستلزم تلاش‌های دیپلماتیک است نه سوق دادن سربازان امریکایی به جنگ داخلی دیگر در خاورمیانه.»

رئیس‌جمهوری امریکا خطاب به دانشجویان آکادمی نظامی «اسپرینگز» گفت: «باید سیاست خارجی ما قوی باشد. ولی این سیاست همچنین باید هوش‌مندانه باشد.» او با دفاع از موضع خود در تابستان ۲۰۱۳ که حمله نظامی به سوریه به بهانه استفاده دمشق از تسلیحات شیمیایی را رد کرد، گفت: «برای این‌که ما گزینه دیپلماسی را انتخاب کردیم. امری که منجر به انهدام کامل تسلیحات شیمیایی سوریه شد.» اوباما در سخنرانی خود در دانشکده نیروی هوایی این کشور مدعی شد: ما به سبب مذاکره با ایران و اعمال تحریم‌های قوی به توافقی رسیدیم که مانع از دستیابی ایران به بمب هسته‌یی می‌شود و ما این‌کار را بدون شلیک حتی یک گلوله انجام دادیم. ما این‌کار را نه با جنگ، بلکه با دیپلماسی انجام دادیم.

**صحبت از کاهش تحریم‌های روسیه بسیار زود است**

مشاور صدر اعظم آلمان گفت: هنوز خیلی زود است که بخواهیم درباره برداشتن تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه صحبت کنیم. کریستوف هوسگن، مشاور سیاست خارجی آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان در سخنانی تأکید کرد: من فکر می‌کنم صحبت کردن درباره لغو تحریم‌های روسیه هنوز خیلی زود است. او در ادامه تصریح کرد: ما هنوز به اجرای کامل توافق‌نامه مینسک نزدیک نشده‌ایم. با توجه به شرایط کنونی شرق اوکراین، سخت است که بخواهیم پیش‌بینی کنیم که تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه برای یک سال دیگر تمدید نخواهد شد. تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه تا جولای اعتبار خواهد داشت. فرانک والتر اشتاین مایر، وزیر خارجه آلمان نیز پیش از این تأکید کرد: توافق برای تمدید تحریم‌ها علیه روسیه سخت‌تر شده، چرا که مخالفت‌ها از سوی برخی کشورهای اتحادیه اروپا رو به افزایش است. تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه در جولای ۲۰۱۴ میلادی به مدت یک‌سال اعلام شد و بار دیگر در سال ۲۰۱۵ میلادی، تمدید شده است. این تحریم‌ها به بهانه اقدامات روسیه در اوکراین اعمال شده است. اشتاین مایر افزود: آلمان می‌خواهد تا تحریم‌ها علیه روسیه تا زمانی که توافق‌نامه صلح مینسک به‌طور کامل اجرا شود، حفظ گردد. یک چیز مسلم است. ما نمی‌توانیم الحاق کریمه به خاک روسیه را نادیده بگیریم. این اقدام نقض قوانین بین‌المللی بوده و موجب بی‌ثباتی شرق اوکراین شده است. روابط روسیه و غرب طی ماه‌های گذشته به‌ویژه پس از بحران شرق اوکراین با تنش زیادی روبرو شده است. سطح روابط دو طرف به پایین‌ترین سطح پس از جنگ سرد تنزل یافته است. امریکا و سایر کشورهای غربی با طرح این ادعا که روسیه در تحولات شرق اوکراین دست داشته، تحریم‌های زیادی را علیه مسکو اعمال کرده‌اند.

**صحبت‌های ناامید کننده کاپیتان تیم ملی فوتبال کشور**



فیصل شایسته، کاپیتان تیم ملی فوتبال کشور که برای مراسم معارفه با تیم جدید به مالزی سفر کرده است، از عواقب عدم تنظیم بازی دوستانه برای تیم ملی فوتبال افغانستان صحبت می‌کند. شایسته که تا کنون نام تیم جدید را فاش نکرده، گفته است که تا آخر هفته جاری نام این باشگاه که در سوپر لیگ مالزی قرار دارد، را رسانه‌یی خواهد کرد. کاپیتان تیم ملی افغانستان گفته است که جواب این‌که چرا بازی دوستانه برای تیم ملی فوتبال افغانستان تنظیم نشده است را باید فدراسیون بدهد نه من. او اضافه می‌کند: «چیزی که من می‌دانم این است که عدم برگزاری مسابقه دوستانه به نفع ما نیست. اکثر تیم‌های دیگر مسابقه دوستانه برگزار کردند. این نیز بهترین فرصت برای افغانستان بود، زیرا همه بازیکنان فصل فوتبالی‌شان را به پایان رساند.» شایسته بیان داشت: اگر ما به فکر رشد فوتبال داخلی هستیم، باید مسابقه دوستانه برگزار کنیم. بهترین اقدام این است که با تیم‌هایی مانند کوریا و ازبکستان مسابقه کنیم، اما اگر امکان نداشت با کشورهای کوچک‌تر از آن فوتبال اما دست زیر چانه‌گرفتن هیچ‌وقت سبب پیشرفت ما نمی‌شود. فیصل شایسته در ادامه می‌افزاید: من احترام زیادی به‌خاطر آوردن تغییرات و انکشاف فوتبال به فدراسیون فوتبال کشور دارم. تأسیس ورزشگاه، حمایت از فوتبال زنان و فوتبال جوانان همه مهم و در خور ستایش هستند، اما نباید از یاد برد که تمرکز اصلی هر فدراسیونی باید روی تیم ملی کشورش باشد. شایسته اظهار داشت: ما سال آینده شانس زیادی برای صعود به جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۹ در امارات داریم. هرکدام‌مان باید برای این بازی‌ها آماده‌گی بگیریم و کوشش ۱۰۰ درصدی خود را انجام دهیم. نه تنها بازیکنان تیم ملی، بلکه مدیریت فدراسیون و مردم افغانستان هم باید تمام کوشش خود را بخرج دهند.

**مصطفی حدید برای ۱۰ تا ۱۲ ماه از حضور در میدان فوتبال محروم شد**



مصطفی حدید، عضو تیم ملی فوتبال کشور به دلیل مصدومیتی که برایش پیش آمد، برای مدت ۱۰ تا ۱۲ ماه از فوتبال کناره‌گیری می‌کند. فدراسیون فوتبال کشور می‌گوید که این بازیکن در بازی‌های دوستانه داخلی به نفع تیم آلتونای ۹۳، باشگاه آلمانی مصدوم شده است. این تیم در لیگ پنجم آلمان قرار دارد. در بسته ویدویی که از وضعیت مصطفی حدید منتشر شده نشان می‌دهد که جراحات‌ها در ناحیه زانوی این بازیکن نسبتاً جدی‌ست. حدید در آلمان زنده‌گی می‌کند. او از سال ۲۰۰۸ به این‌سو عضو تیم ملی فوتبال افغانستان بوده و در خط حمله قرار دارد. حدید از زمان حضورش در تیم ملی کشور تاحال در ۲۰ بازی اشتراک کرده و در دو بازی در برابر بنگلادیش و سریلانکا دو گول به ارمغان رسانده است. حدید ۲۷ ساله برای آخرین‌بار در ماه مارچ سال‌جاری به دلیل مصدومیت نتوانست در رقابت‌های ۲۰۱۸ جام جهانی انتخابی که افغانستان در برابر سنگاپور قرار گرفته بود اشتراک کند؛ در این بازی افغانستان در برابر سنگاپور با نتیجه ۰-۲ پیروز شد.



# Mandegar

## طبیب مهربان

(محمد افسر رهبین، تهران - ۱۳ جوزا ۱۳۹۵)

چگونه سر بردارم؟ از این سنگر خونین بگذار! گلوله‌ها ما را به همدیگر بدوزند، بگذار! بم‌ها ما را به همدیگر بیامیزند، تا همینگونه دست بر دست، به مهمانی خدا رویم دستم را در آغوش دارم!

مرمی تمام کرده‌ام؛ کسی صدایم را میشنود؟ داکتر عبدالحی! کجایی؟ زود باش! از پای مانده‌ام، کجا ببرم دست شکسته و خونچکان خود را تفنگ بی مرمی بر شانه ام سنگینی میکند؛ خط «موضع‌ها» پریده است! روسه‌ها، از «حوضک» داخل منطقه شده اند؛ جنگ تا «سه پوشهای سید کلان» رسیده است! داکتر عبدالحی، زود باش، کاری کن! میخوام بر گردم، بار این ناجوانمردی را بردن نتوانم نه جوانمرد در خون بغلتد و من سلامت از سنگر برخیزم؟ خدا را کاری کن، داکتر عبدالحی! تا دست شکسته ام، تفنگ بردار میخوام برگردم و از میان پیکرهای شکفته در خون آتش کنم تا دشمن نپندارد، شهید مرده است! داکتر عبدالحی! .....

(۲)  
نه! نه!  
این چه می بینم!  
این جنازه کیست؟  
این پیکر پراوزه کیست؟  
کینچنین شانه به شانه میگردد!  
چه شد؟  
طبیب حاذق ما به مداوای خویشتن نرسید جوانمرد!  
همدره!

خیلی سفت و مقاوم با خود آورد و من آنرا به جبهه بردم، که تا جایی در کار عملیات های قطع استخوان، برای مرحوم داکتر عبدالحی سهولت فراهم آورد.

در اینجا منظور اطناب کلام نبود، بل خواستم بگویم که داکتر عبدالحی در شرایطی به التیام زخمها و دردهای مردم میپرداخت و آنهم با وسایل و ابزارهایی که همه «توکلت علی الله» نام داشتند. مگر در دست نیک داکتر عبدالحی اعجاز می آفریدند!

داکتر عبدالحی پس از پیروزی مجاهدین نیز به کارمسلکی خود ادامه داد. نخست در کمیته سویدن

### داکتر عبدالحی: مرد جهاد و جوانمردی

«آلله و انالیهر اجون»

بگرام؛ خط خونین جهاد و مقاومت، در سوگ فرزند دیگر نشست!

داکتر عبدالحی، از فرزندان فرزانه جهاد و از داکتران همیشه در سنگر، به علت بیماری، دیشب در شفاخانه ای در کابل چشم از جهان بست و پیکر او امروز در در زادگاهش، با حضور صدها تن از مردم منطقه، دوستان و بسته گانمرحومی به خاک سپرده شد.

داکتر عبدالحی در سال (۱۳۳۸)

چشم به جهان گشود. اولیسه جمعیت بگرام فارغ گردید و سپانستیتوت معاون داکتر را به انجام رسانید.

روانشاد داکتر عبدالحی در کنار برادر خود «شهید معلم قادر» سنگر دار جهاد شد و تا آخرین دم مجاهد ماند. او در زمان جهاد(دهه شصت خورشیدی) تنها داکتری بود که به مداوا و تیمار داری زخمیها و بیماران مجاهدین و مناطق زیر اداره مجاهدین در بگرام و سایر مناطق پروان میرسید.

داکتر عبدالحی شخصیت منبع، متین و خوش کلام بود و در کار مداوای زخمیها و بیماران نیز با شکیبایی و درایت کامل عمل میکرد و از جرأت اخلاقی والا برخوردار بود. او در رشته خود استعداد خوبی داشت و همان سبب گردید که در کار طبابت و جراحی عمومی تجارب ارزشمندی بیاندوزد.

داکتر عبدالحی، گاهی زخمها و عملیات های خیلی مهم را با ساده ترین ابزارهای بهداشتی انجام میداد، که حتا با امکانات و وسایل مدرن طبی کمتر امکان پذیر بود.

و سپس در شفاخانه «ایمرجنسی» توظیف گردید. داکتر عبدالحی، این مرد همدرد و هم نبرد را، مردم قدرشناس بگرام و دیگر نقاط پروان از یاد نخواهند برد. زیرا او به عنوان یک داکتر و یک مجاهد، بیماران و زخمینبیشمار آنها را مداوا نموده است. مرد مجاهدی که با عشق به خدا و بنده گان خدا، وظیفه دینی و میهنی خود را در هر کجایی نجابت و صداقت تمام انجام داد و به حیث یک داکتر، هرگز لبخند مهربانی را فراموش نکرد!

روانش شاد و یادش جاودان باد! برای خانواده و بسته گانداکتر، از خداوند صبر و شکیبایی استعدا میکند.

### طبیب مهربان

(به یاد دوست سفر کرده، داکتر عبدالحی)

(۱)

صغیر گلوله‌ها از مغزم میگذرد؛

هلکیتر با بر فراز سرم «پیکه» میکند؛

من مانده و چندین شهید؟

چندین سینه گل زده از گلوله؛

اگر اشتباه نکنم، به سال ۱۳۶۵ در جریان درگیری شدید با روسها در «سر پروزه» پای یکی از مجاهدان زخم شدید برداشته بود و یگانه راه برای جلوگیری از خونریزی بیشتر، قطع پا از بند «مچ» پنداشته میشد. چون وسیله دیگری نبود، آن عمل را با «اره تاکبری» انجام دادند که در جریان عملدو سه اره شکست و سرانجام عمل انجام گردید و زخم نیز پس از چند روز التیام یافت.

مولانا صاحب ظفر «برادر بنده» از من درخواست کرد تا به منظور انجام اینگونه عملیاتاره مقاومتی تدارک نمایم. من همان روز کابل رفتم و جریان را به روانشاد عبدالهادیقاریزاده(قاضی نام آور و مامای ما) قصه کردم. زیرا ایشان در خیرخانه «دواخانه کوچی» را داشتند و عبدالباری و عبدالحمید(حمید هامیقاریزاده، سفیر افغانستان در سویدن)، فرزندان قاریزاده صاحب، نیز در کنار داروساز، به کار دواخانه میرسیدند و من نیز هر از گاهی نزد ایشان سر میزدم و تلخی‌ها و شیرینی‌های آنروزگار را با هم تقسیم میکردیم.

فردای آنروزروانشاد قاریزاده صاحب، یک اراه

## تاجیکستان نیروی بیشتر

### در مرز با افغانستان مستقر کرد

مقامات دولتی تاجیکستان اعلام کردند که شمار نیرو در مرز با افغانستان را برای جلوگیری از تهدیدات امنیتی، بیشتر کرده اند. مقامات دولتی این کشور گفته اند، کشورش همچنان ده ها پاسگاه امنیتی را در مرز با افغانستان به زودی ایجاد می کند.

محمد الغ خودزایف، سخنگوی پولیس سرحدی تاجیکستان می گوید که این اقدام به دنبال افزایش تهدیدات امنیتی از سوی تروریستان، فعالیت قاچاقبران اسلحه و اختطاف چپان صورت می گیرد.

او افزوده که برای جلوگیری از تهدیدات، کشورش نیروی بیشتر در نزدیکی مرز با افغانستان مستقر کرده، اما وی در مورد تعداد این نیروها جزئیات نداده است.

مقامات تاجیکستان می گویند که ادامه جنگ در شمال افغانستان تهدیدات امنیتی در این کشور را بیشتر کرده است.

گفته می شود که تاجیکستان پس از افزایش ناامنی در شمال افغانستان و قندوز همز این کشور، به امنیت مناطق مرزی با افغانستان تمرکز بیشتر کرده است.

تاجیکستان سال گذشته نیز پس از درگیری گروهی از مهاجمان با پولیس سرحدی این کشور در مرز با افغانستان، تدابیر امنیتی در نواحی مرزی دو کشور را تشدید کرده بود.

همچنان پیشتر روسیه و تاجیکستان مانور نظامی مشترک شامل هزار زره پوش، دستگاه‌های توپخانه و ۲۳ طیاره جنگی برای جلوگیری از تهدیدات در این کشور برگزار کردند.

## حامد کرزی:

### نباید ملا منصور کشته می‌شد

حامد کرزی رییس‌جمهور سابق افغانستان اعلام کرد: کشته شدن ملا اختر محمد منصور رهبر سابق گروه طالبان آینده روند صلح افغانستان را با مشکلاتی روبرو خواهد کرد.

وی افزود: در صورتی که تمایلی برای ایجاد صلح در افغانستان وجود داشت نباید ملا منصور کشته می‌شد. کرزی اذعان داشت: واکنش‌های طالبان، دولت پاکستان و طرفین درگیر نشان دهنده آن است که این اتفاق روند صلح دولت افغانستان و طالبان را تخریب می‌کند.

رییس‌جمهور سابق افغانستان تصریح کرد: اگر مسئله صلح افغانستان موضوع بین افغان‌ها است، چرا امریکا، پاکستان و چین خود را شریک آن می‌دانند؟

حامد کرزی در ادامه افزود: مشارکت کشورهای نامبرده در روند صلح افغانستان و طالبان ثابت می‌کند که مشکل این کشور یک مسئله خارجی است.

### ورقه عرض کارکنان وزارت احیاء و انکشاف دهات :

## به ریاست محترم دولت

## جمهوری اسلامی افغانستان

محترما: تا جایکه اطلاع داریم نظر به فیصله جلسه شماره (۱۵) کابینه محترم دولت جمهوری اسلامی افغانستان وسایط حمل و نقل کارکنان ادارات دولتی قطع و دربدال آن مبلغ (۸۰) افغانی طور کرایه تادیه میگردد که میان کارکنان به فیصله مذکور نظر به دلایل ذیل توافق نداریم.

- اکثرآ مایان در ساحات ولسوالی چهار آسیاب، پغمان، گلدره، شکردره و محمد آغه ولایت لوگر و مناطق قصبه، پنجصد فامیلی، سرکوتل، خیرخانه، ارزان قیمت، شیوه کی و غیره جاهای دور زندگی مینمایم که باید از طرف صبح و عصر از سه موتر استفاده نمایم و تا حدود ۱۰۰ الی ۱۵۰ افغانی روزانه کرایه بپردازیم.

- سیستم منظم ترانسپورتی در شهر کابل موجود نیست که نمیتوانیم به وقت معینه بوظیفه حاضر شویم این کار از یکطرف با عث سرگردانی ما گردیده و از طرف کرایه تعیین شده کفایت نمیکند.

بنا جریان وسیلتا عرض گردید تا مشکل مایان را با مراجع مربوطه در میان گذاشته و دررفع آن منحیت مکلفیت ووظیفوی اقدام عملی گردد. با احترام